


The post-colonial reading of the travelogue "People and Rituals in Iran" by Madame Carla Serena (Study case: Rasht city)

Hadi Noori

Doctoral student of Cultural Sociology, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Gilan University, Rasht, Iran (Corresponding author).


h.k.noori@gmail.com

 0000-0002-3747-917X

Masoumeh Shadmanfaat

Assistant Professor Department of Sociology, Faculty of Humanities, Gilan University, Rasht, Iran.

shamila.shadmanfaat@gmail.com

 0000-0002-0891-307X


Abstract

The present study seeks to analyze the nature of travelogues as a kind of knowledge related to the East. The issue is whether this knowledge of travelogue writing has objectivity or does it carry the systematic prejudices of the Orientalist discourse? Discovering dualities and analyzing the hierarchies governing them is the main problem of the present research. Considering the qualitative nature of the research, post-colonial literature is used not as a theoretical framework but for the theoretical interpretation of reading the text. The research method is deconstruction, which is based on David Boje's eight-point classification. The socio-statistical book of the Travel Book of People and Rituals in Iran by Madame Karlaserna and the sample of the research is Chapter 53 of the book (narrative from the city of Rasht), which was selected in a purposeful way. The results of the research indicate the existence of dual oppositions between East and West in the studied sample and the hierarchy governing them based on the general rule of superiority of the West and inferiority of the East. However, the women's protesting voice and the exceptions in the existing text make it possible to negate the satirical dominant stereotype.


Keywords: Travelogue, post-colonialism, Deconstruction, east, Rasht, Carla Serena.

خوانش پسااستعماری سفرنامه «آدم‌ها و آیین‌ها در ایران» مادام کارلاسرنا (مورد مطالعه: شهر رشت)

هادی نوری

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول).
h.k.noori@gmail.com  0000-0002-3747-917X

معصومه شادمنفعت

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گیلان،
رشت، ایران.
shamila.shadmanfaat@gmail.com  0000-0002-0891-307X

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال واکاوی ماهیت سفرنامه‌نویسی به‌مثابه نوعی دانش مربوط به شرق است. مسئله این است که آیا این دانش سفرنامه‌نویسی از عینیت برخوردار است یا حامل پیش‌داوری‌های نظام‌مند گفتمان شرق‌شناسی است؟ کشف دوگانگی‌ها و تحلیل سلسله‌مراتب حاکم بر آنها مسئله اصلی پژوهش حاضر است. با توجه به کیفی بودن نوع پژوهش، از ادبیات پسااستعماری نه به‌مثابه چهارچوب نظری بلکه برای تفسیر نظری خوانش متن استفاده می‌شود. روش تحقیق و اسازی است که بر اساس طبقه‌بندی هشت‌گانه دیوید بوژه انجام می‌گردد. جامعه آماری کتاب سفرنامه آدم‌ها و آیین‌ها در ایران مادام کارلاسرنا است و نمونه پژوهش فصل ۵۳ کتاب (روایت از شهر رشت) می‌باشد که به‌شیوه هدفمند انتخاب شده است. نتایج پژوهش حاکی از وجود تقابل‌های دوگانه شرق و غرب در نمونه مورد بررسی و سلسله‌مراتب حاکم بر آنها بر اساس قاعده کلی فرادستی غرب و فرودستی شرق است. باین‌همه، سوبه دیگر و استثنائات موجود در متن موجود امکان نفی پی‌رنگ مسلط هجوآمیز را فراهم می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: شرق‌شناسی، و اسازی، پی‌رنگ، استعمار، ایران‌شناسی، سفرنامه، مادام کارلاسرنا.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



مقدمه و بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین منابع شناخت ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع، سفرنامه‌ها هستند (میرزایی و پروین، ۱۳۸۲، ص. ۸۰). اغلب جهانگردان پس از اتمام سفر و بازگشت به سرزمین خود، اقدام به نگارش و تفسیر تجارب و خاطرات سفر خویش در قالب سفرنامه می‌کردند که با وجود نواقص و کاستی‌های ساختاری و روشی از اسناد معتبر تاریخی به‌شمار می‌آیند و تصویر روشنی از اوضاع اجتماعی - فرهنگی، آداب و رسوم و سنن ارائه می‌کنند (دانش‌پژوه، ۱۳۸۰، ص. ۱۲).

سفرنامه‌هایی که از دوران قاجار به‌جا مانده‌اند در مقایسه با سایر سفرنامه‌های درباره ایران، دارای جایگاه برجسته‌تری هستند؛ از این جهت که در دوره قاجار و به پیامد باختر زمین، تغییرهای بنیادینی به‌وقوع پیوست (زاگرس زند، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۴). درواقع ورود نوسازی و فرهنگ اروپایی به ایران در دوره قاجار امکان‌های گوناگونی در عرصه‌های مختلف فراهم کرد (محمدی و یاقوتی، ۱۳۹۷، ص. ۷۸). ایران برای بسیاری از این سیاحان، مقصد اصلی و هدف سفر و برای برخی دیگر راهی برای گذر به هند و چین بود؛ براین‌مبنا، سفرنامه‌های اروپایی بی‌شماری - از جمله سفرنامه مورد بررسی در این پژوهش - از دوران قاجار به‌جا مانده که اسناد قابل تأملی برای پژوهش‌های ایران‌شناسی به‌شمار می‌روند (زاگرس زند، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۵).

ازسویی دیگر گسترش استعمار اروپایی‌ها با آغاز شرق‌شناسی همزمان بود. به‌طوری‌که گفتمانی از دانش شکل‌گرفت که شرق را زیر سایه و آگاهی غرب قرار داده و توصیف می‌کرد. به‌عبارت‌دقیق‌تر، شرق‌شناسی مطالعات مرتبط با زبان‌ها، آداب و رسوم، موقعیت جغرافیایی، مذاهب و مردم‌شناسی شرق را به‌نفع غرب بازنمایی می‌کرد (هال، ۱۳۸۶، ص. ۳۷). درمقابل نیز تلاشی صورت‌گرفت که برای آشکار ساختن و از جا‌کندن ادعاهای حقیقت (داعیه اروپا مدار) طراحی شده بود و نقد پسااستعماری نام‌گرفت (پری، ۱۳۸۸، ص. ۱۷۷). براین‌مبنا دانش نهادینه شده در بستر گفتمان‌های غربی حول محور و تحت سلطه استعمار و جغرافیای سیاسی بود. بدین‌صورت که گفتمان‌های اروپایی - در بافت سفرنامه‌ها - بازنمایی و بازتولید می‌شد.

براین‌اساس، بازسازی شرق بر پایه‌های انگاره‌های غربی در قالب گفتمان (شرق‌شناسی) و با بینشی خودمحور و برتربودگی افراط‌گرایانه شکل‌گرفت.

از طرفی دیگر، اندیشمندان پسااستعماری به گفتمان شرق‌شناسی واکنش نشان داده و با تحلیل و نقد شرق‌شناسی آن را به‌چالش کشیدند و با آشکار ساختن این مسئله بزرگ که شرق حقیقی به واقع شناخته نشده و همواره نسخه ضعیف و مخدوش از آن به نمایش گذاشته شده است، به مقابله با گفتمان شرق‌شناسی پرداختند. متعاقباً، سفرنامه‌های با محوریت ایران‌شناسی که به‌منزله نخستین اسناد پژوهش‌ها در این زمینه بودند، به‌عنوان قسمتی از طرح وسیع شرق‌شناسی با این چالش مواجه شد که، روایت‌های سفرنامه‌نویسان و سیاحان کم‌ارزش، غیرواقعی و همراه با پیش‌داوری است (زاگرس زند، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۴). به‌عبارت‌بہتر، وجهه‌ای که در سفرنامه‌های خارجی در مورد شرق در مقایسه با غرب به چشم می‌خورد، موجد یک بعد آسیب‌شناختی نیز بود (بینشی مبتنی بر سوگیری، یک‌جانبه‌گرایی، خودبرتربینی و سرشار از افراط و تفریط) (میرزایی و پروین، ۱۳۸۲، ص. ۸۰).

مسئله این است که اروپاییان به طرق گوناگون - در این‌جا نگارش جانب‌دارانه سفرنامه - از قبیل غیریت‌سازی، برتربودگی، تک‌محوری، ناهم‌زمان‌سازی و نظایر آن در تلاش برای جداسازی، متفاوت و برتر ساختن غرب از شرق بودند و هدف‌محوریشان از این اقدام‌ها نمایش و ساختن هویت برتر برای غربی‌ها بود. به‌طورکلی در گفتمان شرق‌شناسی هدف اصلی ایجاد تفاوت بین انسان برتر غربی و فرد دون‌مایه شرقی بود (کرانی؛ احمدیان و کریمی، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۴).

از این جهت، توجه به خوانش و گفتمان حاکم بر متون و آثار ادبی دارای نگاه شرق‌شناسانه و حامل گفتمان استعماری ضرورت دارد. واقعیت غیرقابل‌انکار در مورد برخی از روایت‌های سفرنامه‌ها نیز غرض‌ورزی‌ها و پیش‌داوری‌هایی است که در مورد فرهنگ ایرانی و ایرانیان وجود دارد که از طریق تطابق آنها با سایر اسناد و نوشته‌ها، تمیز دادن آنها از واقعیت موجود به‌راحتی قابل درک است " بنابراین، مسئله اصلی پژوهش استخراج دوگانگی‌های شرق و غرب در متن سفرنامه *آدم‌ها و آیین‌های ایرانیان* (۱۸۸۳) کارلا سرنا (۱۸۸۴-۱۸۲۰م) است. کاربست نظریه‌های پسااستعماری و روش‌های واسازی به فهم این امر کمک می‌کند که بین نگاه از بیرون (بازنمایی شرق‌شناسانه) کارلا سرنا از رشت و نگاه از درون (بازنمایی شرق یک منتقد شرق‌شناسی) چه دوگانگی، سلسله‌مراتب و تفاوت‌هایی وجود دارد. فهم مسئله پژوهش با رجوع به این پرسش اساسی میسر می‌گردد که آیا متن این بخش از سفرنامه دارای دوگانگی‌های شرق و غرب است؟

اهمیت شهر رشت به‌عنوان نمونه انتخابی از سفرنامه کارلا سرنا جهت واسازی و

ارائه خوانش پسااستعماری در این است که شهر رشت در کنار تبریز و تهران پیشگام مشروطیت بود و زودتر از اکثر شهرهای ایران پذیرای نمادها و نهادهای تجدد را پذیرا شدند (کسروی، ۱۳۵۴؛ ملک‌زاده، ۱۳۸۳). نخستین قرائت‌خانه‌های ایران در رشت تأسیس گردید (خمامی‌زاده، ۱۳۷۹، ص. ۶۳). رشت پیش‌تاز تأسیس مدرسه پیشرفته، شهرداری، بیمارستان، تلفن‌خانه‌های مرکزی، تلگراف‌خانه، تئاتر، سینما، روزنامه، عکاسی، دبیرستان‌های دخترانه و دیگر مظاهر فرهنگ و تمدن پیشرفته است (فخرائی، ۱۳۵۴، ص. ۳۴۵؛ میرابوالقاسمی، ۱۳۷۷، ص. ۱۳۳؛ سرتیپ‌پور، ۱۳۷۰، ص. ۲۲۷؛ یوسفدهی، ۱۳۹۳، ص. ۱۵). بنابراین، شهر رشت نمونه مناسب یک محیط فرهنگی متجدد است که واسازی نحوه بازنمایی غربیان از آن می‌تواند بیانگر نحوه برساخت شرق‌شناسانه بخش مهمی از جامعه ایرانی، یعنی مناطق دروازه تجدد به ایران، در دوره معاصر باشد.

وجه راهبردی چنین پژوهش‌های در موضوع هویت قرار دارد. از آنجاکه مسئله هویت در نسبت به بین خود و دیگری شکل می‌گیرد و مبتنی بر یک رابطه متقابل و دوسویه است، از متن چنین خوانش‌هایی می‌توان به نسبت میان دانش و قدرت دست یافت و سازوکارهای سلطه غربی و سوژگی انسان ایرانی برملا کرد. این نکته حایز اهمیت است که سلطه تنها به مقوله اقتصادی یا نظامی منحصر نمی‌گردد بلکه از طریق نوعی «امپریالیسم فرهنگی» و هژمونی فکری میسر و تحکیم می‌شود که خوانش‌های واسازانه رمزگشایی سازوکارهای چنین هژمونی است.

۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

این پژوهش با هدف خوانش انتقادی متون غربی و فهم نحوه بازنمایی غرب از شرق (در نمونه مورد بررسی شهر رشت) انجام می‌شود. در راستای این هدف اصلی به دنبال کشف و برملاسازی ساختار پنهان حاکم بر متن، بخش‌های مسلط و به حاشیه رانده‌شده آن، امکانات متناقض درون به‌مثابه دریچه بازتاب واقعیت، قواعد و استثنائات و احتمال برساخت معانی تازه نهفته در متن است. براین اساس، سؤال‌های پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- تقابل‌های دوگانه حاکم بر متن کدامند؟
- ۲- سلسله‌مراتب حاکم بر تقابل‌های دوگانه چگونه است؟
- ۳- صداهای معترض موجود در متن کدام است؟
- ۴- سویه دیگر حاکم بر متن چیست؟

- ۵- پی‌رنگ حاکم بر متن چیست؟
- ۶- قاعده کلی و استثنائات موجود در متن کدامند؟
- ۷- حرف ناگفته‌ای در متن چیست؟
- ۸- دیدگاه جدید ناشی از سازماندهی مجدد متن چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

شمار کتاب‌های به‌چاپ‌رسیده در مورد سفرنامه‌ها به دو گروه کلی قابل بخش‌بندی است. در گروه اول آثاری که به فهرست‌نگاری توصیفی سفرنامه‌ها (نگاه کلی و فاقد توصیف محتوایی) پرداخته‌اند. آثاری از قبیل «فهرست توصیفی سفرنامه‌های انگلیسی موجود در کتابخانه ملی ایران» (پوراحمد جکتاجی، ۱۳۵۵)، درمقابل آثاری که بر موضوع‌های ویژه از جمله توصیف یک شهر، فرهنگ و آداب و رسوم یک منطقه جغرافیایی، آیین‌های ملی و مذهبی همچون عید نوروز و مراسم عاشورا متمرکز هستند مانند «کرمانشاهان در سفرنامه سیاحان» (کشاوری، ۱۳۸۳)، «خلقیات ما ایرانیان» (جمال‌زاده، ۱۳۴۵)، «ایران از دید سیاحان اروپایی از قدیم‌ترین ایام تا اوایل عهد صفویه» (جوادی، ۱۳۷۸) و «سفر اروپاییان به ایران» (شیبانی، ۱۳۹۴).

در زمینه تحلیل سفرنامه‌ها نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است، از جمله مقاله‌های «تحلیل سفرنامه‌های ایرانیان دوره قاجار از کرمانشاه» (کرانی؛ احمدیان و کریمی، ۱۳۹۷)، «شمایل‌شناسی تصویر زن در دوره قاجار با تأکید بر سفرنامه‌ها، نگارگری‌ها و عکس‌های برجای مانده از این دوره» (زارعی و طهماسبی‌زاده، ۱۳۹۷)، «اوضاع اجتماعی خلیج فارس در عصر قاجاریه با تأکید بر سفرنامه‌ها» (شعبانی و جلالی مشایخی، ۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی سفرنامه‌های ایرانی و اروپایی در عصر قاجار بر مبنای هشت سفرنامه» (مهماندار، ۱۳۹۱)، «سفر زیارتی حج در دوره قاجار بر مبنای سفرنامه‌های رجال دوره قاجاری» (صوفی و زاور، ۱۳۹۱)، «آرشیو در سفرنامه‌های ایرانی دوره قاجار (از ابتدای قاجار تا مشروطه» (صفری، ۱۳۸۸)، «بازتاب هویت فرهنگی ایرانیان در سفرنامه‌های عصر صفوی و قاجاری» (کریمی، ۱۳۸۶)، مواردی از این قبیل است.

از آنجایی که در پژوهش حاضر از رویکرد پسااستعماری و روش‌سازی استفاده شده است در ادامه مروری بر پژوهش‌های صورت گرفته بر مبنای رویکرد مذکور خواهیم داشت: «خوانش پسااستعماری خسی در میقات با تکیه بر نظرهای فرانس قانون» (حسنی و مهرکی، ۱۴۰۰)، «خوانش پسااستعماری بازنمایی کردها در

گفتمان شرق‌شناسانه، مورد مطالعه سفرنامه کلودیوس جیمز ریچ» (سجادی، ۱۳۹۸)، «تحلیل جامعه‌شناختی (واسازی) خودآگاهی زن در جدال با ساختارهای سنتی و پیشرفته در رمان‌های سیمین دانشور» (محمدی و یاقوتی، ۱۳۹۷)، «واسازی روایت، خوانشی از نقاشی‌های هانیبال الخاص» (شیبانی، ۱۳۹۸)، «بایسته‌ها و شرایط کاربست واسازی دریدا در نقد متون، نقد و تحلیل کتاب واسازی متون آل‌احمد» (شاکری، ۱۳۹۷)، «تحلیل منطق واسازانه روایت رستم و سهراب» (اکبری‌زاده، ۱۳۹۶)، «خوانش پسااستعماری رمان جزیره سرگردانی» (حاجتی و رضی، ۱۳۹۵)، «خوانش پسااستعماری تجربه مهاجرت در رمان انگلستان لولیتا اثر واسینی الاعرج از دیدگاه هومی بابا» (فاتحی؛ میرزایی و سن‌سبلی، ۱۳۹۵)، «روایت‌های از یک سازمان پرداز: تحلیلی پسامدرن از دیزنی به‌مثابه یک تامارالند» (بوژه، ۱۳۹۴)، «مطالعات پسااستعماری، تلاش متن‌محور در جهت وارونه‌سازی چشم‌اندازها» (انصاری و درودی، ۱۳۹۳)، «نقد پسااستعماری روایت سریال قهوه تلخ از مدرنیته سیاسی ایرانی: با تأکید بر روش واسازی» (منتظر قائم و غلامی، ۱۳۹۱)، «بررسی جنبه‌های پسااستعماری نمایشنامه جزئیات اثر سوزان گلاسهیل» (مهروند، ۱۳۹۱)، «صوفی شالوده‌شکن؛ غزالی و واسازی عارفانه متن» (تاجیک، ۱۳۹۰)، «واسازی عشق در غزلیات سعدی» (نجومیان، ۱۳۹۰)، «خوانش واسازی، بررسی کتاب ساختارشنکی داگلاس.جی. اتکینز» (Lindsay, 1985)، «تحلیل واسازی شخصیت‌ها در فیلم نامه زتوپیا» (Batubara; Nasution & Prata, 2020) و «واسازی به‌عنوان روش نقد فیلم» (Kumar & Shikha, 2018).

با مرور ادبیات مرتبط ارائه‌شده می‌توان مطالعات شرق‌شناسی را به دو دسته مطالعات خارجی (از نگاه بیرون) و مطالعات داخلی (از نگاه درون) تقسیم‌بندی کرد. به‌نظر می‌رسد که پژوهشگران داخلی نیز از گفتمان شرق‌شناسی پیروی کرده و به‌نوعی ناخودآگاه با مرکز قرار دادن خویش اجازه خود روایتی را از فرودستان سلب کرده‌اند. سرزمین ایران به‌جهت موقعیت مکانی، راهبردی و منابع و به‌دلیل پیشینه تاریخی، فرهنگ و تمدن همواره مورد توجه سایر اقوام و ملل به‌ویژه اروپاییان قرار داشته است؛ باوجوداین در زمینه بررسی سفرنامه‌های اروپایی و تحلیل واسازی آنها تحقیق‌های اندکی صورت گرفته، به‌همین دلیل در پژوهش حاضر برآنیم تا به واسازی و خوانش پسااستعماری شهر رشت با در سفرنامه *آدم‌ها و آیین‌های مادام کارلاسرنا* بپردازیم.

۳. ملاحظه‌های نظری

رویکرد پسااستعماری متشکل از نظریه‌های مختلفی است که هر کدام، از جنبه‌های مختلف و متعدد به مطالعه استعمار پرداخته‌اند؛ بنا به تقسیم‌بندی سارا میلز (میلز، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۵)، این مطالعات در دو دسته کلی جای می‌گیرند: رویکرد اول تحت عنوان «گفتمان استعماری» به بررسی الگوهای گفتمانی شرق‌شناسانه معطوف شده‌اند که فرانتس فانون و ادوارد سعید را می‌توان بنیان‌گذار این رویکرد در نظریه پسااستعماری دانست. از دیگر محققان این دسته می‌توان به لوئیس پرات، رابرت یانگ و پیتر هولم اشاره کرد.

فانون نخستین اندیشمندی است که مسئله «دیگری» را در رابطه میان استعمارگر و استعمارزده مطرح کرد. او در کتاب پوست سیاه، صورتک‌های سفید، متأثر از هگل، وضعیت انسان استعمارزده را به‌گونه‌ای ترسیم می‌کند که در جایگاه «دیگری» قادر به ایفای نقش خود نیست (شاهمیری، ۱۳۸۹، صص. ۱۱۳-۱۱۰؛ گاندی، ۱۳۹۱، ص. ۳۷). فانون استدلال می‌کند که وضعیت استعماری چنان فرد استعمارزده را دربرگرفته که او همیشه در حال مقایسه کردن خود با «دیگری» سفیدپوست است. هر وضعیتی که پیدا می‌کند، بر اساس رابطه پیوستگی و از پادآمدن «دیگری» استوار می‌باشد. من مردی خویش را بر ویرانه‌های اطراف خود بنا می‌کنم (فانون، ۱۳۵۵، ص. ۲۱۹).

ادوارد سعید با دو کتاب شرق‌شناسی (۱۳۹۰) و فرهنگ و امپریالیسم (۱۳۸۲) شناخته می‌شود. از نظر سعید، سلطه استعماری غرب بر شرق از طریق گفتمان‌های هنری، علوم انسانی، علوم اجتماعی و نیز به‌وسیله شکل‌های مستقیم‌تر سلطه، مانند حاکمیت سیاسی و سرکوب نظامی صورت می‌گیرد (مورتون، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۶). بخش بزرگ اندیشمندان، از شاعران و داستان‌نویسان گرفته تا فیلسوفان، نظریه‌پردازان سیاسی، اقتصاددانان، و مدیران بی‌طرف به تفاوت اساسی بین شرق و غرب چونان نقطه آغاز باور دارند (سعید، ۱۳۹۰، ص. ۲۱). محصل شرق‌شناسی است که «عبارت است از نوعی سبک غربی در رابطه با ایجاد سلطه، تجدید ساختار، داشتن آمریت و اقتدار بر شرق» (سعید، ۱۳۸۲، ص. ۱۶).

رویکرد دوم مطالعات پسااستعماری، که باید به‌نوعی نقطه مقابل رویکرد اول تلقی شود، مطالعاتی هستند که بیشتر متأثر از نظریه‌های روان‌کاوی هستند تا نظریه گفتمان و مسئله اصلی آنها بیشتر تأثیر پیروزی‌های استعماری در

ساختارهای اجتماعی و شکل‌بندی‌های گفتمانی فعلی است. اولین سنگ‌بنای شکل‌گیری نظریه پسااستعماری، کتاب شرق‌شناسی ادوارد سعید است و پس از آن اندیشمندانی مانند گایاتری چاکراواتی اسپیواک و هومی بابا در این وادی قدم گذاشتند (حقیقی و دیگران، ۱۳۹۷، صص. ۶۷-۶۸).

رویکرد پسااستعماری ضمن پرسشگری درباره هویت و زیر سؤال بردن نگاه مبتنی بر تقابل خودی و دیگری، معتقد به نوعی نسبی‌گرایی فرهنگی با تأکید بر هویت سیال چندلایه و تغییرپذیر است. در این میان بر فضاهای بینابینی، بینامتنی و بینادهنیت‌ها تأکید می‌ورزد و نوعی دانش میان‌رشته‌ای را با آمیختگی نگاه‌های مختلف بنیان می‌نهد (دهشیری، ۱۳۹۰، ص. ۸۶).

رویکرد اسپیواک در مطالعات پسااستعماری متمرکز به خوانشی جدید از گروه‌های به حاشیه رانده شده با زمینه‌ای عمدتاً فمینیستی است و در وادی به چالش کشیدن ساختارهای سلطه به فاعلیت‌بخشی اقشار در حاشیه و فرودست توجه ویژه‌ای دارد (تسلیمی، ۱۳۸۸، ص. ۲۷۵). اسپیواک خواهان به گوش رساندن صداهای خاموش و به حاشیه رانده شده است که از متون استعماری حذف شده‌اند؛ در واقع همان: صدای سوژه عامی استعمارزده و بومی فرودست (میلز، ۱۳۹۲، ص. ۱۵۳). او در این زمینه بر روی تجربه‌های تاریخی زنان فرودست متمرکز می‌شود و به اثبات محدودیت کاربرد نظریه‌های اروپایی در بازنمایی زندگی و تاریخ زنان جهان سوم می‌پردازد (مورتون، ۱۳۹۲، ص. ۹۶).

هومی بابا در کتاب *موقعیت فرهنگ* (۱۹۹۴) می‌گوید: «نقد پسااستعماری، ناظر بر نیروهای نابرابر و ناهمسان از بازنمایی فرهنگی است که در به‌دست آوردن اقتدار سیاسی و اجتماعی در چهارچوب نظم جهان جدید، در حال رقابت هستند» (Bhabha, 1994, p. 171). او بر خلاف دیگر اندیشمندان استعمارگرا باور دارد که استعمارزده همیشه دیگری نیست و دارای فضایی است که می‌تواند عقیده و تمایلات خود را به سبک خود و در قالب واژگان دلخواه به غیر و دیگری بیان دارد (گانندی، ۱۳۹۱، ص. ۱۹۴). هومی بابا تقابل‌های برساخته از شرق و غرب و سیاه و سفید را رنگ باخته می‌داند و با طرح ایده پیوندخوردگی بر سیالیت و تفاوت فرهنگ‌ها تأکید می‌کند که در آن مرزبندی سنتی میان فرهنگ‌ها برداشته شده و تعامل بین فرهنگ‌ها حاکم است. ایده‌ای که در آن تمام هویت‌هایی که در بستر تاریخ حاشیه‌نشین شده‌اند جایگاه خود را دارند و چیز دیگری به نام فرهنگ غالب و مغلوب معنا ندارد (مورگیلبرت، ۱۳۸۶، صص. ۵۳-۵۴). هومی بابا توجه را به آنچه در خط مرزی بین این فرهنگ‌ها

است بینابین یا آستانه جلب می‌کند. بینابین و آستانه همانند راه پله‌ای است که مفهوم هویت در درون آن در حال حرکت بین بالا و پایین، نژاد و رنگین‌پوست و سفید است (Bhabha, 1994, p. 5). فضای آستانه‌ای پلکانی میان قلمروهای بالا و پایین است که از دوقطبی شدن هویت‌ها جلوگیری می‌کند؛ لذا گفتمان پسااستعماری، خود در فضایی آستانه‌ای ساکن است (Ashcroft, 2007, p. 118).

در مجموع، خوانش پسااستعماری نوعی از ادبیات است که بر گفتمان استعماری استوار بوده و مخاطره‌ها و پیامدهای استعمار را در نظر می‌گیرد و نسبت به آن حالت تدافعی داشته و واکنش نشان می‌دهد. از آنجاکه روش پژوهش حاضر از نوع کیفی است کاربست نظریه‌های پسااستعماری در این پژوهش نه‌به‌مثابه چهارچوب نظری، بلکه برای تفسیر نظری خوانش واسازی صورت می‌گیرد.

۴. روش پژوهش

واسازی اصطلاحی است که دریدا ابداع کرد. در واقع Deconstruction در فارسی دارای معادل‌هایی همچون بنیان‌فکنی، شالوده‌شکنی، ساخت‌شکنی، واسازی می‌باشد که مقصود از آن روش خاصی از خوانش متن است و هدفش متزلزل ساختن کانون یا مرکز متن بر پایه عناصر معنا شناختی برگرفته از پیرامون آن می‌باشد. به باور دریدا، رویکرد ساختاری مانعی برای بازی متن محسوب شده و هیچ متنی دارای ساختار منسجم نبوده و همواره از منظر معنای ساختاری با خود در تناقض می‌باشد. به عبارت دقیق‌تر، خالقان معنا، مؤلف و یا خواننده نیستند؛ بلکه یک متن امکان‌های متناقض و بی‌شماری را جهت تفسیر و معنا خلق می‌کند و در این بین پروسه مرگ مؤلف تکمیل می‌گردد. در نگاه دریدا، واسازی به‌واقع بیش از آنکه یک روش پژوهش باشد نوعی تحلیل محسوب می‌گردد که هدف آن معنازدایی از متن و در پی آن روشن ساختن ظرفیت درونی متن است (دریدا و دیگران، ۱۳۸۵، ص. ۳۱). او واسازی را یک فلسفه یا یک مرحله منظم نمی‌داند؛ بلکه معتقد است واسازی رخ می‌دهد و به عبارت بهتر، واسازی به مانند آن‌تروپی می‌ماند که تماماً ما را احاطه می‌کند (بوژه، ۱۳۸۷، ص. ۸۲).

با وجود انکار دریدا مبنی بر روش بودن واسازی، برخی از دریدایی‌ها مانند دیوید بوژه نظام‌مندسازی واسازی و استفاده از واسازی به‌عنوان یک راهبرد برای نقد روایت گرفته‌اند. واسازی درواقع کشف روابط بین دوگانگی‌های درون روایت‌هاست و در زمان استفاده از این روش دقت و احتیاط ضروری است. دیوید بوژه واسازی را نوعی

تحلیل انتقادی پسامدرن در نظر می‌گیرد و الگویی هشت مرحله‌ای برای نقد و اسازی طراحی می‌کند (بوژه، ۱۳۸۷، ص. ۱۵۶).

۴-۱. الگوی هشت مرحله‌ای و اسازی

۴-۱-۱. جستجوی دوگانگی

در ابتدا باید فهرستی از مفاهیم دو وجهی و تعابیر دو قطبی که توسط روای در متن داستان به کار گرفته شده است تهیه کنیم (این امر شامل مفاهیمی که تنها به یک جنبه آنها اشاره شده نیز می‌گردد)؛ به‌عنوان نمونه در داستان‌هایی که مردم‌محورند، مردان در مرکز و زنان (دیگری) در حاشیه هستند و اشاره به اصطلاحی مشخص برای جفت آنها صدق می‌کند.

۴-۱-۲. باز تفسیر سلسله‌مراتب

در این مرحله نگاه به داستان سلسله‌مراتبی است، به‌عبارت‌بهرتر، بررسی یک روایت یا سلسله‌مراتبی از یک رویداد از نظرگاه ویژه می‌باشد. درواقع داستان عموماً دارای اشکالی از تفکر سلسله‌مراتبی است که در اینجا می‌بایست برتری یکی از مفاهیم دوگانه بر دیگری تحلیل و باز تفسیر شود.

۴-۱-۳. صداهای واکنشی (یاغی)

در مرحله سوم از و اسازی نفی اقتدار تک‌صدایی صورت می‌گیرد، مراکز روایی طرد و به‌حاشیه رانده می‌شوند و درواقع کشف صداهای ابراز نشده و خاموش مورد توجه است. در اینجا ما به‌دنبال پاسخگویی به این پرسش هستیم که: صداهای فرودست کدامند؟ کدام صداهای خاموش مانده و در مقایسه با صداهای دیگر سلسله‌مراتبی‌اند؟

۴-۱-۴. شناسایی سویه دیگر داستان

داستان‌ها دارای نظم یکسان نبوده و سویه‌های مختلفی دارند. در مرحله چهارم به‌دنبال آنیم که دریابیم سویه دیگر داستان (معمولاً طرد شده، مکتوم و حاشیه‌ای) چگونه است؟ در اینجا وارونه‌سازی حکایت رخ می‌دهد (به کنترل درآوردن حاشیه، سرورته‌کردن، از مراحل پسین به مراحل پیشین رفتن).

۴-۱-۵. نفی پیرنگ

داستان‌ها دارای پیرنگ، خط سیر، متن، سناریو، نحوه اجرا و چهارچوبی هستند در اینجا می‌خواهیم آنها را باسازی کنیم؛ به‌عنوان نمونه اگر حکایت هجوآمیز است آن را به‌صورت عاشقانه بازتفسیر کنیم.

۴-۱-۶. یافتن استثنا

برای یافتن استثنا در حکایت باید منطق حاکم بر داستان را کشف کرده و حتی گاهی اصول و قواعد را نادیده بگیریم، درواقع هر استثنا در حکایت به‌نحوی که افراطی و عبث به‌نظر برسد، بیان می‌گردد.

۴-۱-۷. ردگیری بین خطوط

در مرحله هفتم به‌دنبال کشف آنچه که در حکایت بیان نشده هستیم و با پُر کردن جاهای خالی و علائم راهنما هر آنچه که برای تکمیل حکایت لازم است را اضافه می‌کنیم.

۴-۱-۸. بازسازی مجدد متن

هدف از اجرای مراحل یک تا هفت و اسازی، رسیدن به نگاهی نو است. دیدگاه جدید (با وجود دوگانه‌گرایی‌هایش، صداها یا خاموشش یا نظرگاه خاصش) موجب ساماندهی مجدد حکایت می‌گردد و بازتفسیر حکایت موجب تغییر دوگانگی و حاشیه‌ها می‌شود. درواقع ما حکایت را بازتفسیر می‌کنیم تا کنش‌های جدید نوشته شود و مرکزی وجود نداشته باشد (بوژه، ۱۳۸۷، ص. ۸۳).

۴-۲. جامعه آماری، نمونه پژوهش و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش کتاب سفرنامه آدم‌ها و آیین‌ها در ایران اثر مادام کارلاسرنا سیاح زن ایتالیایی است که در سال ۱۸۸۳ در پاریس منتشر شده و شامل ۵۷ فصل است. نمونه پژوهش فصل ۵۳ (مربوط به روایت از شهر رشت) است و شیوه نمونه‌گیری هدف‌مند است، نمونه مورد نظر به‌علت تناسب با هدف پژوهش و بر اساس این مسئله انتخاب شد که به‌نوعی دروازه تجدد به جامعه ایران و پذیرای مظاهر تمدن نوین بود؛ لذا با استفاده از تحلیل و اسازی در سال ۱۴۰۱ به تحلیل آن فصل پرداخته می‌شود.

۳-۴. شرح کوتاه سفرنامه

سفرنامه آدم‌ها و آیین‌ها در ایران اثر مادام کارلاسرانا است. فصل مورد بررسی که درباره شهر رشت شامل بخش‌های مختلف وقوع طاعون در رشت، نحوه تدفین طاعون‌زده‌ها، سنگسار زنی زناکار، معماری خانه‌های رشت، مدرسه‌های رشت، موقعیت شهر، محصولات، طبیعت و درختان است.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. یافتن تقابل‌های دوتایی

جدول (۱): تقابل‌های دوتایی یافت شده از سفرنامه

| | |
|----------------------|-----------------------|
| بازار سنتی | بازار سرمایه‌داری |
| معماری ایرانی | معماری اروپایی |
| ایرانی بی‌سروپا | اروپایی متشخص |
| قافله‌سالار ایرانی | قافله‌سالار ارمنی |
| پزشکان اروپایی | پزشکان ایرانی |
| مذهب | علم |
| ذائقه ایرانی | ذائقه اروپایی |
| دولت لایق | دولت نالایق |
| زن ایرانی | مرد ایرانی |
| نحوه محاسبه ایرانیان | نحوه محاسبه اروپاییان |
| دختران فقیر | دختران ثروتمند |
| دختران باسواد | دختران بی‌سواد |
| ملا | مرید |
| سید | عامی |
| میرزا | امی |
| تکیه‌های پایتخت | تکیه‌های محلی |
| عقلانیت | عدم عقلانیت |
| مردم استان گیلان | مردم ایران |

۵-۲. بازتفسیر سلسله‌مراتب تقابل‌ها

بازار سنتی / بازار سرمایه‌داری: گزارش راوی سفرنامه از شهر رشت با تفاسیر مربوط به مکان‌ها از جمله بازار آغاز می‌شود. وی حال‌وهوای بازار محلی را متفاوت با بازارهای اروپایی توصیف کرده و از آن تحت عنوان بازار آسیایی (کم‌ارزش) یاد می‌کند که سبک و سیاق و محصولات متفاوته از بازارهای اروپایی دارد. این نگاه که ناشی از به‌رسمیت نشناختن تفاوت‌های اجتماعی دو ساحت تمدنی است به توصیف سلسله‌مراتبی ختم می‌شود که در آن تقابل بر اساس فرادستی بازار سرمایه‌داری بر فرودستی بازار سنتی است.

معماری ایرانی / معماری اروپایی: در جریان توصیف‌ها، رشت بیش از آنکه منظره یک شهر را داشته باشد؛ درحقیقت وضع و منظره دهکده بزرگی را دارد. از نگاه راوی خانه‌های با بام‌های شیب‌دار و پوشیده از سفال، بیشتر شبیه به ساختمان‌های اروپایی هستند تا ایرانی. با این اوصاف معماری اروپایی که در اینجا معماری خانه‌های رشت بدان شباهت دارد درمقابل معماری ایرانی قرار می‌گیرد. بازهم تفاوت‌های دو ساحت تمدنی نادیده گرفته می‌شود و با نگاهی یک‌جانبه‌انگار زمینه‌ساز تشکیل سلسله‌مراتبی بر مبنای تقابل فرادستی معماری اروپایی بر فرودستی معماری ایرانی فراهم می‌گردد.

ایرانی بی‌سروپا / اروپایی متشخص: مادام کارلاسرنا در این سفرنامه اشاره می‌کند که وی (اروپایی متشخص، یا همان دیگری) به محض ورود به شهر رشت، از طرف عده زیادی افراد بی‌سروپا (غیر، ایرانی و یا شرقی) احاطه شد. از این توصیف جانب‌دارانه، نگاه از بالا به پایین و برتر بودگی قابل‌رویت است که در آن نویسنده به شکلی آشکار در مسیر فرودست‌سازی انسانی ایرانی و در نتیجه خاموش‌سازی صدای او به‌نفع فرادست‌سازی جهان غربی است؛ بنابراین سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی فرد اروپایی بر فرودستی فرد ایرانی است.

قافله‌سالار ایرانی / قافله‌سالار ارمنی: در بخشی از متن اشاره می‌شود که سیاحان زمانی که قافله‌سالار ایرانی (شرقی) سفرشان را هدایت می‌کرد، برایشان ناراحت‌کننده و پُردردسر بود، درمقابل در زمان عزیمت به رشت که قافله‌سالارشان یک ارمنی (غربی) بود، از آن شخص به‌نیکی یاد کرده و وی را ارمنی خوب و دوست‌داشتنی خطاب می‌کردند. بدین ترتیب، سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی قافله‌سالار ارمنی بر فرودستی قافله‌سالار ایرانی است.

پزشکان ایرانی / پزشکان اروپایی: در زمان نگارش این سفرنامه، طاعون در رشت شیوع داشت و بی‌داد می‌کرد، تقابل تشخیص پزشکان اروپایی (طاعون) و پزشکان ایرانی (یک مرض بومی) در مورد این بیماری قابل تأمل است. کارلاسرنا نظر پزشکان اروپایی را کاملاً صحیح می‌داند و می‌گوید با توجه به شیوع طاعون در ماه آوریل در رشت، پزشکان اروپایی توانسته بودند این بیماری به‌شدت مسری را تشخیص دهند، اما پزشکان ایرانی با آنها هم‌عقیده نبودند؛ بنابراین سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی پزشکان اروپایی بر فرودستی پزشکان ایرانی است.

مذهب / علم: به بیان راوی سفرنامه، به تشخیص پزشکان و نگاه علمی طاعون مسری بوده و باید از مناطقی که این بیماری در آنجا بیشتر شیوع داشت دوری می‌شد، اما نویسنده می‌گوید اعتقادات و مذهب در مقابل این تفکر علمی قرار گرفت و باعث شد بیماری به‌سرعت در رشت و اطراف آن شایع شود، به‌ویژه در جاهایی که امامزاده وجود داشت و مردم برای از بین بردن بیماری به دعا و زیارت در آنجا متوسل می‌شدند، میزان «تلفات بیماری بیش از جاهای دیگر بود». نکته این است که کارلاسرنا با نادیده انگاشتن تفاوت بافت اجتماعی و فرهنگی به نتیجه‌گیری تقابل مذهب و علم/ شرق و غرب می‌رسد و سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی علم بر فرودستی مذهب قرار می‌گیرد.

ذائقه ایرانی / ذائقه اروپایی: بر طبق گزارش‌های سفرنامه موضوع تعجب‌آور از دید راوی این بود که حتی یک ارمنی یا اروپایی از طاعون صدمه ندید و در اینجا به برتری بخشیدن نوع ذائقه و مصرف خوراک اروپایی‌ها در مقابل ایرانی‌ها اشاره شد: «علت عمده عدم آسیب طاعون به اروپایی‌ها ممکن است مربوط به رژیم غذایی آنها باشد. چون غذای اصلی ایرانیان را برنج، ماهی نمک‌سود، میوه و سبزی‌های خام تشکیل می‌دهد. درحالی‌که غذای اروپایی‌ها از لحاظ موارد مورد نیاز بدن، کامل‌تر و سالم‌تر است». سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی ذائقه اروپایی بر فرودستی ذائقه ایرانی است و به‌شکلی آشکار نوعی ذات‌انگاری به مبنای خودبرترپنداری غرب از هر جهت حتی در تغذیه منتهی می‌گردد.

دولت لایق / دولت نالایق: مادام کارلاسرنا به‌عنوان یک اروپایی، عدم تشخیص تعداد قطعی تلفات بیماری را، نالایقی دولت ایرانی می‌داند؛ چون از طرف دولت قانونی مبنی بر ثبت اسامی و مشخصات فوت‌شدگان وجود ندارد. درجایی دیگر می‌گوید در ایران تصمیم‌هایی که از طرف دولت گرفته می‌شود فقط بر روی کاغذ

ارزش دارد و به مرحله اجرا در نمی‌آید. سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی دولت اروپایی بر فرودستی دولت ایرانی است.

زن ایرانی/ مرد ایرانی: این تقابل بین زن و مرد در ماجرای سنگ‌سار یک زن که توسط راوی سفرنامه گزارش شده، مشهود است. تفسیر مادام کارلاسرنا از واقعه برتری مرد بر زن، تهمت زدن نابه‌جا به یک زن بی‌گناه و توجیه آن از نگاه مردسالارانه و مذهبی در جامعه ایران آن‌زمان است. وی می‌گوید هنگام سنگسار آن زن تمام اروپاییان از جمله خودش مات و مبهوت بوده و این صحنه را تأسفبار و گوشه‌ای از آیین مردسالارانه و مذهبی کشور ایران قلمداد می‌کند. نویسنده غربی در روایت این واقعه تنها به شکل رویداد توجه دارد و بر مبنای اندیشه غربی به روایت قانون یا رسم شرقی می‌پردازد و از دل آن سلسله‌مراتب تقابل بر اساس فرادستی مرد ایرانی بر فرودستی زن ایرانی نتیجه می‌گیرد. در حالی که اگر از منظر فرهنگ شرق یا ایران به رویداد می‌نگریست، می‌توانست به این نتیجه برسد که مجازات هر عملی بسته به خاص‌بودگی فرهنگی متفاوت خواهد بود و درک فرهنگی متفاوتی می‌طلبد.

نحوه محاسبه ایرانیان / نحوه محاسبه اروپاییان: نحوه محاسبه ایرانیان که در آن زمان با حروف انجام می‌شد در مقابل نحوه محاسبه اروپاییان که با عدد بود، قرار می‌گیرد: «برای حساب کردن ایرانی‌ها به جای اعداد از علائم استفاده می‌کنند. برای بیان شماره نیز آنها حروف الفبا را به کار می‌برند؛ مثلاً در کلمه رشت حرف ر یعنی ۲۰۰، حرف ش یعنی ۳۰۰ و حرف ت نشان‌دهنده رقم ۴۰۰ است. می‌گویند حاصل جمع این اعداد، تاریخ بنای شهر رشت را به تاریخ هجری به دست می‌دهد». سلسله مراتب این تقابل بر اساس فرادستی محاسبه اروپایی بر فرودستی محاسبه ایرانی است.

دختران فقیر / دختران ثروتمند: در تفسیر متن، دختران ثروتمند علاوه بر یادگیری دانش در مقابل دختران فقیر، نواختن ساز موسیقی یا خواندن آواز را هم آموزش می‌بینند. سلسله‌مراتب این تقابل مبتنی بر فرادستی دختران ثروتمند بر فرودستی دختران فقیر است.

دختران باسواد / بی‌سواد: دختران باسواد و تحصیل‌کرده در مقابل دختران بی‌سواد به حفظ اشعاری شاعران ملی مانند سعدی و حافظ می‌پردازند که برخی بیت‌های آن نزد همه به ضرب‌المثل تبدیل شده است. سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی دختران باسواد بر فرودستی دختران بی‌سواد است.

ملا / مرید: بر طبق گزارش‌ها در بحث آموزش، برتری ملا بر مریدان خود (شاگردان) وجود است. به نحوی که ملا در مکتب‌خانه‌ها روی زمین می‌نشیند و دختران و پسران به شکلی مختلط دور او گرد می‌آیند و وی در مرکز توجه قرار می‌گیرد. سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی ملا بر فرودستی مرید است.

سید / عامی: به گفته مادام کارلاسرنا در رشت آن‌زمان نوعی برتری افراد سید (فرزندان روحانیون) نسبت به افراد عادی وجود داشت. به نحوی که سید بودن و فرزند روحانی بودن نسبت به سایرین دارای امتیاز بود: «مدرسه‌هایی در رشت وجود داشت که به‌طور معمول فرزندان ملاها در آن تحصیل می‌کردند، تا حرفه پرسود ملایی از پدر به فرزند منتقل شود. برخی از آنها (سید) یعنی از اعقاب پیامبر هستند». سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی سید بر فرودستی عامی است.

میرزا / امی: طبق مستندات سفرنامه در آن زمان یک‌سری افراد که داعیه باسوادی داشتند خود را برتر از سایر افراد بی‌سواد قلمداد می‌کردند. آنها در ابتدای نام خویش کلمه «میرزا» را یدک می‌کشیدند تا برتری خود را نسبت به افراد امی نمایش دهند. به باور مادام کارلاسرنا این افراد که خود را میرزا معرفی می‌کردند از نظر اطلاعات عمومی در زمینه تاریخ و جغرافی و مسائل دیگر حتی از معلومات یک شاگرد مدرسه ابتدایی معمولی اروپایی هم کمتر بودند. سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی میرزا بر فرودستی امی است.

تکیه‌های پایتخت / تکیه‌های محلی: در متن سفرنامه در تفسیر تکیه‌های عزاداری نوعی تقابل دیده می‌شود: «بازیگران، نوحه‌خوانان، ساززن‌ها، آرایش صحنه‌ها، لباس‌ها به کلی رنگ و بوی محلی داشت و از آن زرق‌وبرق و جاه‌وجلال و تکیه‌های پایتخت، دیگر خبری نبود». سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی تکیه‌های پایتخت بر فرودستی تکیه‌های محلی است.

عقلانیت / عدم عقلانیت: کارلاسرنا با نگاهی غربی و توأم با عقلانیت مناسک و مراسم مذهبی ایرانیان را در سفرش به رشت به تصویر می‌کشد. این نگاه بیانگر عدم عقلانیت شرقی (مناسک مذهبی) است که درمقابل عقلانیت غربی قرار می‌گیرد. او از ملایی سخن می‌گوید که در هنگام موعظه بالای منبر خود به مؤمنان عنوان می‌کند: «کسانی که در دل خود احساس اشک و اندوه نکنند، شایسته حضور در چنین مجالس مذهبی و مراسم مقدسی نیستند. همین جمله برای سرازیر شدن سیل اشک از چشم‌ها کافی بود. این اندوه و تأثر به هر شکل که ظاهر گردد، آدم نمی‌تواند از

خوش‌باوری و ساده‌لوحی حاضران مجلس تعجب نکند». توصیف سرنا مجدد بر مبنای اندیشه ذات‌انگار صورت می‌گیرد. غرب عاقل در برابر شرق احساسی حکایت از مرکزگرایی حاکم بر متن است که در آن غرب مرکز و محور جهان قرار می‌گیرد و همه اندیشه و مناسک دیگر به‌عنوان غیر به‌حاشیه رانده شده و از رسمیت می‌افتند. در نتیجه سلسله‌مراتب این تقابل بر اساس فرادستی عقلانیت بر فرودستی عدم عقلانیت است.

مردم/استان گیلان / مردم ایران: مادام کارلاسرنا در ستایش مردم رشت آنها را در تقابل با سایر مردم ایران توصیف می‌کند: «مردم استان گیلان از جهت مهربانی و ملامت که در ظاهرشان نیز پیداست، با ویژگی‌های اخلاقی دیگر ایرانیان تفاوت زیادی دارند. آنها با لهجه خاصی صحبت می‌کنند، که ویژه خودشان است و در گوش طنین بسیار خوش‌آیندی دارد». لحن و محتوای توصیف نویسنده نشانه غفلت از تفاوت فرهنگی و جغرافیایی درون سرزمینی است و لذا بر اساس همان اندیشه مرکز‌گرا به سلسله‌مراتب فرادستی مردم گیلان بر فرودستی مردم ایران می‌رسد.

۳-۵. صداهای معترض (یاغی)

اصلی‌ترین صدای معترض و فرودست در این بخش از سفرنامه را می‌توان صدای زنان دانست؛ توصیف کارلاسرنا به‌گونه‌ای است که انگار زنان در مقابل مردان به‌حاشیه رانده شده‌اند. او در روایت خود از سنگ‌سار یک زن توسط مردان (به‌ویژه ملای محل) آن زن را فرد مظلومی به‌نمایش می‌کشد که از طرف مردان در مظان اتهام رابطه نامشروع قرار گرفته و نمی‌تواند از خود دفاع کند. مثال دیگر تقلای افراد برای به‌جا آوردن مناسک دینی (در نقش فرودست) است که انگار با دغل‌بازی و حيله‌گیری بر آنها اعمال می‌شود؛ باین‌همه، صدای اعتراض آنها در خط سیر داستان خاموش می‌ماند. همچنین اقوام جنازه‌هایی که بر اثر طاعون در قبرهایی قرار گرفتند که با آهک و مواد شیمیایی پُر شد؛ درحالی‌که حتی یک نفر از مرده‌شورها با شستن جنازه‌ها به این بیماری مبتلا نشدند.

۴-۵. سوبیه دیگر روایت

اصلی‌ترین پیش‌فرض و اساسی رخداد آن در متن و عدم تحمیل چیزی بر متن است. در متن سفرنامه مادام کارلاسرنا نیز می‌توان به مواردی از و اساسی در خود متن اشاره کرد؛ به‌عنوان مثال در جایی از متن راوی مردم شهر رشت را (به‌دلیل بالا بودن تعداد

مدارس) اهل آموزش و یادگیری توصیف می‌کند، درحالی‌که رویکرد کلی روایت نقد شیوه آموزش و کیفیت تحصیلی در شرق است. نمونه دیگر ستایش راوی از خصوصیات اخلاقی گیلانیان در انتهای متن است که با گفتمان و روایت مرکزی داستان از ابتدا و در طول متن متناقض بوده و کاملاً وارونه است؛ زیرا همواره شرقی‌ها در کل متن با خصوصیات همچون افراد بی‌سروپا، غیرعقلانی، ساده‌لوح و منفعل مورد نقد قرار گرفته بودند. بر مبنای مصداق‌های واسازی در خود متن، می‌توان چنین نتیجه گرفت که فهم بهتر نسبت به هر موضوعی با فراغت از نگاه مسلط امکان‌پذیر است.

۵-۵. نفی پی‌رنگ

پی‌رنگ یا نقشه داستان در این بخش از سفرنامه دارای ساختار، چهارچوب و نظم و ترتیب منطقی حوادث است. نقل وقایع سفرنامه آدم‌ها و آیین‌های ایرانیان بر اساس توالی زمانی منظم و علیت بازگو شده است؛ به‌عنوان مثال شیوع بیماری طاعون در رشت آن زمان مورد توصیف و همچنین علت مرگ افراد، چگونگی شیوع بیماری و تلفات و پیامدهایی که به‌همراه داشت بر اساس توالی زمانی و چرایی مورد واکاوی قرار گرفته است. بر طبق تعریف پی‌رنگ از ارسطو، در این بخش از سفرنامه نیز ساختار اصلی دارای سه بخش است. آغاز روایت که در پی حادثه دیگری نیامده (توصیف مناظر شهر، ویژگی‌های مکانی و...)، میانه که هم به‌دنبال رویدادهایی آمده و هم با رویدادهای دیگر دنبال می‌شود (وقوع طاعون و به‌دنبال آن مرگ‌ومیر افراد، موضوع سنگ‌سار یک زن و...)، و بخش پایان که نتیجه طبیعی و منطقی رویدادهای پیشین است. بر اساس پی‌رنگ این سفرنامه اگر رویدادی از آن حذف یا جابه‌جا شود، وحدت آن به‌کلی به‌هم می‌ریزد.

این متن در ابعاد مختلف دارای پی‌رنگ‌های فرعی نیز می‌باشد؛ به‌عنوان مثال در بخش بازگو کردن مناسک مذهبی (تعزیه‌خوانی) پی‌رنگ روایت آبرونی یا هجوآمیز است و نویسنده حاضرین جمع را که تحت تأثیر ملا تمام داراییشان را می‌بخشند خوش‌باور و ساده‌لوح خطاب کرده که گویی هرگز نمی‌توانند از این ظلمت و حيله‌گری اعمال‌شده آگاه و رهایی یابند. حال اگر این روایت به‌صورت عاشقانه تعریف می‌شد به شکل درامی بود که افراد فرودست از طریق دستیابی به آگاهی تحت سلطه قرار نمی‌گرفتند و به بخشیدن اموال خود تن نمی‌دادند و سویه روایت به‌کل تغییر می‌کرد.

همچنین در مورد سنگ‌سار زن نیز پی‌رنگ داستان حالت هجوآمیز به خود می‌گیرد. نویسنده از این حادثه به‌عنوان واقعه‌ای غم‌انگیز و بی‌سابقه یاد می‌کند که روابط سلطه فرادست بر فرودست بر این روایت حاکم است (تهمت‌زدن به یک زن از طرف مردان و ملای محل). روایت سرنا این‌گونه است که التماس بی‌حاصل زن از ملا، انعطاف‌ناپذیری ملا نسبت به زن و آرام بودن وجدان او، عدم داشتن جسارت اعتراض توسط سایرین حتی مسیحیان؛ همگی گویای تحت ستم بودن زن و استیصال او می‌باشد و رهایی از موقعیت غیرممکن است، اما اگر پی‌رنگ روایت تراژدی می‌بود، سنگ‌سار زن که در مظان اتهام قرار گرفته و دچار شکست‌شده حالت غم‌انگیز و تراژدی به داستان می‌بخشید؛ و بر اساس پی‌رنگ روایت امید بود که سلطه‌گران (کسانی که به زن تهمت زدند) با دستیابی به عقلانیت و کنار گذاشتن افکار سنتی و مذهبی بر محدودیت‌های ذهنی خود فائق آیند و به‌عبارتی بهتر رهایی در آینده قابل‌امکان بود. نکته مهم در این بخش وجود امکان‌های متعدد، متفاوت و حتی متناقض در متن است و نشان می‌دهد که مرکزیت معنای عمل سنگ‌سار یا تعزیه-خوانی در چهارچوب و بر مبنای پی‌رنگ مسلط صورت می‌گیرد و با تغییر پی‌رنگ حاکم بر داستان می‌تواند معنایی دیگر از عمل سنگ‌سار یا تعزیه‌خوانی داشت. اگر پی‌رنگ داستان برگرفته و مبتنی بر فرهنگ شرق و یا دین اسلام باشد معنای کنش تغییر خواهد یافت؛ لذا معنا برخلاف روایت مسلط نویسنده متزلزل است.

۵-۶. استثناء

قاعده کلی این بخش از سفرنامه این است که «ایرانی‌ها سواد درست و حسابی ندارند»، «ایرانی‌ها مذهبی، منفعل و ساده‌لوح هستند»، «ایرانی‌ها غیرعقلانی و غیرمنطقی عمل می‌کنند»، «زنان ایرانی فرودست و به‌حاشیه‌رانده شده‌اند»، «ایرانیان تجمل‌گرایند». اگر بخواهیم استثنایی برای این قاعده‌های فوق ذکر کنیم، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: یکی از استثناهای این روایت دختران رشت هستند که به مدرسه می‌روند و علاوه بر یادگیری دانش، خیاطی بلدند، بر نواختن یک آلت موسیقی مسلط بوده و آواز می‌خوانند و همچنین اشاعر شاعران ملی همچون حافظ و سعدی را از بر هستند. نمونه دیگر استثنا اشاره به خصوصیات اخلاقی مثبت گیلانیان و ملایمت و مهربانی و پویا بودن آنها دارد که در متن سفرنامه از آنان به‌عنوان استثنا و افرادی که از نظر خصوصیات اخلاقی با سایر ایرانیان تفاوت به‌سزایی دارند، یاد شده است. نمونه دیگر استثنا تکیه‌های عزاداری شهر رشت است

که بازیگران، نوحه‌خوانان، ساززن‌ها، آرایش‌صحنه‌ها، لباس‌ها به کلی رنگ‌وبوی محلی داشت و از آن زرق‌وبرق و جاه‌وجلال و تکیه‌های پایتخت و سایر شهرها خبری نبود.

۵-۷. ردگیری بین خطوط

با توجه بیشتر به خط سیر روایت درمی‌یابیم که در بخش‌هایی از توصیف‌ها، خاموش بودن افراد دلیلی بر ناآگاهی آنها نبوده است؛ بلکه صرفاً جنبه ظاهری دارد. نمونه این امر در عدم اعتراض مسیحیان نسبت به سنگ‌سار زن نمایان است. نویسنده روایت می‌کند که آنها از اعمال سلطه ناعادلانه بر زن آگاه بودند، اما برای هم‌رنگی با جماعت سکوت پیشه کردند. همچنین خاموش بودن افرادی که بخشی از پول خود را در مجلس تعزیه‌خوانی می‌بخشیدند دلیل بر ناآگاهی از حيله‌گری و سلطه اعمال‌شده نبوده، بلکه عملی مبتنی بر عقاید مذهبی آنها بوده است.

مثالی دیگر عدم توافق پزشکان محلی با پزشکان اروپایی بر سر تشخیص بیماری طاعون بود. وابستگی پزشکان محلی به طب سنتی و پایبندی آنها به داروهای دست‌ساز و طبیعی سبب این اختلاف‌نظر شد و این در حالی بود که تشخیص طاعون از سوی پزشکان اروپایی (در آن زمان طاعون در بسیاری از نقاط جغرافیایی با علائم مشابه شیوع داشت) امری بدیهی به نظر می‌رسید.

اگر بخواهیم به‌طور کلی بین خطوط این روایت را بخوانیم باید بگوییم که راوی داستان قصد به‌سخره گرفتن نظام دولتی ایران و همچنین فضای مذهبی، سنتی و مردسالارانه حاکم بر جامعه ایرانی دارد. در طول روایت نیز عبارت‌های مختلفی جهت فراخوانی مردم به مقاومت علیه دولت به چشم می‌خورد.

۵-۸. سازماندهی مجدد

در این مرحله لازم است به بازسازی مجدد سلسله‌مراتب دوگانگی‌هایی پرداخته شود که در سفرنامه موجود بود. به‌عبارتی، بازخوانی مجدد روایت مدنظر است. در بخش معرفی دوگانگی‌ها عنوان شد که تقابل اصلی میان نگاه شرقی (ایرانی) و غربی (اروپایی) است. برای بازنمایی این کلان‌تقابل مجموعه تقابل‌های دوتایی در روایت استفاده شده که سویه منفی آن به سمت شرق نسبت داده می‌شود. همچنین گونه روایتی این سفرنامه به‌صورتی است که مرکز جهت‌گیری نگاه خواننده بر راوی واقع است. در این حالت خواننده در دنیای داستان توسط راوی هدایت می‌شود. این نوع روایت دست راوی را باز می‌نهد و او خدای‌وار (با نگاهی غربی) بر همه رویدادهای

داستان مسلط است و می‌تواند تمام کنش و واکنش‌های شخصیت‌های داستان را بر اساس نگاه و فرهنگ خاص خود روایت کند. راوی خود از شخصیت‌های سفرنامه است و به بیان داستان سفر خود می‌پردازد. در واقع کارلاسرنا در مقام راوی وظیفه روایت‌گری ماجراهای سفر را بر عهده داشته و در تفاسیر خود نگاه غربی را اعمال کرده است و نوعی برتربودگی غرب بر شرق در برخی اشارات به‌وضوح نمایان است. براین اساس وظیفه ما این نیست که در قالب بازسازی دوباره به بازنمایی غرب به‌عنوان دیگری شرق اقدام ورزیم؛ بلکه می‌توان با تدارک بازی آزاد تقابل‌های کشف شده در متن، به دنبال راهی دیگر و تفسیری مناسب با فرهنگ شرقی و اسلامی باشیم که زیر سایه ارزش‌های دیگری (نگاه اروپامحور) نباشد.

نتیجه‌گیری

ادبیات پسااستعماری در تلاش است تا با نقد گفتمان سنتی استعمار، باور تحمیلی چیرگی ارزش‌های فرهنگی غرب و اروپاییان بر مردم تحت استعمار را از میان ببرد و هویت و فرهنگ بومی این ملت‌ها دوباره رونق گیرد، به‌ویژه از راه بررسی انتقادی متونی که با رویکرد نژادپرستانه و استعماری نگاشته شده‌اند (حسینی و مهرکی، ۱۴۰۰، ص. ۷۴).

مسئله اصلی این پژوهش جستجوی دوگانگی‌های شرق و غرب و آشکار ساختن گفتمان شرق‌شناسی حاکم بر متن سفرنامه *آدم‌ها و آیین‌های ایرانیان* مادام کارلاسرنا است. جهت واکاوی مسئله پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش اساسی بودیم که آیا متن این بخش از سفرنامه دارای دوگانگی‌های شرق و غرب (سوءگیری، افراط و تفریط، اروپامحوری) است؟

تحلیل واسازی سفرنامه مذکور بیانگر نگرش انتقادی نویسنده به شرق و تداوم سلطه فرهنگی غرب (در قالب نگارش جانب‌دارانه اروپامحور متن سفرنامه) بر مردم کشورهای جهان سوم - در اینجا ایران - بود. همان‌گونه که سعید با الهام از فوکو تأکید داشت، شناخت و درک جهان شرقی در گفتمان استعماری به‌منظور سلطه بر این جهان است؛ به‌عقیده سعید، مفاهیم غرب و شرق به‌صورت مفاهیم متقابل یا دیگری در زمینه اندیشه‌ها، خصوصیات و تجربیات تاریخی تعریف می‌شوند. بر مبنای این دیدگاه، انواع مختلف تقابل‌ها و دوگانگی‌ها در متن سفرنامه یافت شد؛ تقابل‌هایی (تقابل بازار سنتی / بازار سرمایه‌داری، تقابل معماری ایرانی / معماری اروپایی، تقابل ایرانی بی‌سروپا / اروپایی متشخص، تقابل قافله‌سالار ایرانی / قافله‌سالار ارمنی، تقابل

پزشکان ایرانی / پزشکان اروپایی، تقابل مذهب / علم، تقابل ذائقه ایرانی / ذائقه اروپایی، تقابل دولت لایق اروپایی / دولت نالایق ایرانی) که همواره بازتفسیر سلسله‌مراتب آنها بر اساس فرادستی نگرش غربی و فرودستی نگرش شرقی بود.

به‌طور کلی، در سفرنامه آدم‌ها و آیین‌های ایرانیان (مصادف با سلطنت ناصرالدین شاه قاجار) رگه‌های بسیاری از شرق‌شناسی به‌چشم می‌خورد. به‌طوری‌که در متن روایت بسیاری از دوگانگی‌های شرق و غرب وجود داشته و روای سفرنامه (مادام کارلاسرنا) قاعده کلی (گفتمان شرق‌شناسی) را مبنی بر آن قرار داده که ایرانی‌ها بی‌سواد، نالایق، مذهبی، منفعل، ساده لوح، غیرعقلانی، غیرمنطقی، فرودست و به‌حاشیه رانده‌شده هستند. درواقع کارلاسرنا در روایت ماجراهای سفرنامه نگاه غربی خود را بر ماجرا اعمال کرده و نوعی برتربودگی غرب بر شرق در برخی اشارات به وضوح نمایان است. در این روایت‌سازی تفاوت‌های دو ساحت تمدنی غرب و ایران نادیده انگاشته می‌شود و نویسنده به‌شکلی آشکار در مسیر فرودست‌سازی انسان ایرانی و درنتیجه خاموش‌سازی صدای او به‌نفع فرادست‌سازی جهان غربی است. کارلاسرنا با بی‌توجهی به تفاوت بافت اجتماعی و فرهنگی به نتیجه‌گیری تقابل مذهب و علم / شرق و غرب می‌رسد و سلسله‌مراتب خاص غربی مبنی بر فرادستی علم بر فرودستی مذهب را برای ایران تجویز می‌کند، حتی این نوع ذات‌گرایی که بر مبنای خودبرپنداری غرب استوار است به سطح تغذیه ملت‌ها هم می‌رسد. نتیجه این نادیده‌انگاری ذات‌انگار مقوله «تفاوت» فرهنگی این است که غرب عاقل مرکزیت متن و درنتیجه جهان اجتماعی را در اختیار می‌گیرد و شرق احساسی همراه با همه اندیشه و مناسک آن را به‌عنوان غیر به‌حاشیه می‌راند و از رسمیت می‌اندازد. برهمین اساس، سنگ‌سار به پای عدم عقلانیت نوشته می‌شود و به مردسالاری و مذهب متصل می‌گردد و تعزیه‌خوانی به دغل‌بازی و ساده‌لوحی تعبیر می‌گردد، خاص‌بودگی فرهنگی نادیده انگاشته می‌شود و حتی استثناءهای درون متن به‌حاشیه رانده می‌شود. درحالی‌که وقتی از دریچه واسازی و خوانش پسااستعماری به روایت رویدادها می‌نگریم، می‌بینیم که حتی خود چنین متن استعماری هم واجد امکان‌های متناقض و متعدد خلق معنای درون‌متنی است و نشان از آن دارد که متن / واقعیت فاقد ساختاری منسجم است و با معنازدایی از متن می‌توان شاهد بازی آزاد زبانی بود. چندان‌که اگر نفی پی‌رنگ مسلط بر متن شود ظرفیت‌های درونی متن / واقعیت نمایان می‌گردد. اینجاست که سویه دیگر این متن شرق‌شناسانه حاکی از خصایل اخلاقی خوب ایرانیان و پیگیری دانش و آموزش و موسیقی دارد. سویه‌ای که

نافی قاعده حاکم شرق‌شناسی است.

پیشنهادهای کاربردی

از منظر پسااستخارگرایان، آنچه واقعیت خوانده می‌شود تنها از دریچه متن قابل فهم است؛ زیرا که زبان و گفتمان به جهان معنا می‌دهد. متون نوشته شده درباره ایران چه از جانب غربیان باشد یا نویسندگان بومی، حامل معنایی خاص در بطن گفتمان معین است. از این رو، پیشنهاد می‌گردد دو دسته متون هدف خوانش و اسازانه قرار گیرند: (۱) متون استعماری غربی از جمله سفرنامه‌ها و متون تاریخی دانشگاهی؛ (۲) متون اجتماعی روشنفکران یا مطلعان بومی، به‌ویژه از منظر اندیشه هومی بابا که باور دارد استعمار و هژمونی فرهنگی غرب فرایندی دوسویه و با همکاری بومیان انجام می‌گیرد نه تک‌جانبه و توسط غربیان.

فهرست منابع

- اکبری‌زاده، محسن (۱۳۹۸). تحلیل منطق و اسازانه روایت رستم و سهراب. *پژوهشنامه ادب حماسی*، (۱۵)، ۷۳-۹۲.
- انصاری، منصور و درودی، مسعود (۱۳۹۳). مطالعات پسااستعماری، تلاش متن‌محور در جهت وارونه‌سازی چشم‌اندازها. *جستارهای سیاسی معاصر*، (۱۲)، ۱-۲۳.
- بوژه، دیوید (۱۳۸۷). تحلیل و اسازی. ترجمه حسن محدثی، *وسایل ارتباط جمعی رسانه*، (۱)، ۷۹-۹۹.
- بوژه، دیوید (۱۳۹۴). روایت‌های از یک سازمان داستان‌پرداز: تحلیلی پسامدرن از دیزنی به مثابه یک تامارلند. ترجمه اسماعیل عالی‌زاد و نیلوفر باغبان مشیری و عباس جنگ، *جامعه، فرهنگ، رسانه*، (۱۷)، ۱۴۳-۱۹۳.
- پری، بنیتا (۱۳۸۸). *نهادینه‌شدن مطالعات پسااستعماری*. ترجمه جلیل کریمی، مجموعه مقالات درباره مطالعات فرهنگی، تهران: چشمه.
- پوراحمد جکتاجی، محمدتقی (۱۳۵۵). *فهرست توصیفی سفرنامه‌های انگلیسی*. تهران: کتابخانه ملی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۹۵). صوفی شالوده‌شکن؛ غزالی و اسازی عارفانه متن. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، (۱)، ۴۰-۵۴.
- تسلیمی، علی (۱۳۸۸). *گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران*. تهران: کتاب آرمه.

- جمال زاده، محمدعلی (۱۳۴۵). *خلقیات ما ایرانیان*. تهران: کتابخانه فروغی.
- جوادی، حسن (۱۳۷۸). *ایران از دید سیاحان اروپایی از قدیم‌ترین ایام تا اوایل عهد صفویه*. تهران: نشر بوته.
- حاجتی، سمیه و رضی، احمد (۱۳۹۵). خوانش پسااستعماری رمان جزیره سرگردانی. *متن پژوهی ادبی*، (۶۸)، ۴۱-۶۵.
- حسنی، زهرا و مهرکی، ایرج (۱۴۰۰). خوانش پسااستعماری خسی در میقات با تکیه بر نظرات فرانتس فانون. *زبان و ادبیات فارسی شفای دل*، (۷)، ۶۹-۸۴.
- حقیقی، شهین؛ فرروزانی، فرزانه؛ محمدی‌بدر، نرگس و گرجی، مصطفی (۱۳۹۷). خوانش پسااستعماری شخصیت‌های نمایشنامه ماه غسل اثر غلامحسین ساعدی. *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، (۳۱)، ۶۴-۸۶.
- خامی‌زاده، جعفر (۱۳۷۹). *تاریخ کتابخانه‌های گیلان*. قم: پارسایان.
- دانش‌پژوه، فریدون (۱۳۸۰). *سفرنامه تا پخته شود خامی*. تهران: نشر ثالث.
- دریدا، ژان؛ گریچللی، سایمون؛ لاکلائو، ارنستو و رورتی، ریچارد (۱۳۸۵). *دیکانسترکشن و پراگماتیسم*. ترجمه شیوا رویگریان، تهران: نشر گام نو.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۰). از شرق‌شناسی تا مطالعات پسااستعماری، با رویکردی میان‌رشته‌ای در علوم انسانی. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، (۴)، ۶۱-۸۹.
- زارعی، محمدابراهیم و طهماسبی‌زاده، ساره (۱۳۹۷). شمایل‌شناسی تصویر زن در دوره قاجار با تأکید بر سفرنامه‌ها، نگارگری‌ها و عکس‌های برجای مانده از این دوره. *زن در فرهنگ و هنر*، (۴)، ۶۹-۸۴.
- زاگرس‌زند، محمدتقی (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی پژوهش ایران‌شناسی غربی و شرق‌شناسی با تکیه بر بازنمایی فرهنگ مردم ایران در سفرنامه‌های اروپاییان در دوره قاجار. *مطالعات ملی*، (۱۱)، ۱۵۴-۱۷۹.
- سجادی، بختیار (۱۳۹۸). خوانش پسااستعماری بازنمایی کردها در گفتمان شرق‌شناسانه، مورد مطالعه سفرنامه کلودیوس جیمز ریچ. *مطالعات تاریخی فرهنگی*، (۳۹)، ۷۴-۵۵.
- سرتیپ‌پور، جهانگیر (۱۳۷۰). *نام‌ها و نامداران گیلان*. رشت: گیلکان.
- سعید، ادوارد (۱۳۸۲). *فرهنگ و امپریالیسم*. ترجمه اکبر افسری، تهران: توس.
- سعید، ادوارد (۱۳۹۰). *شرق‌شناسی*. ترجمه لطفعلی خنجی، تهران: امیرکبیر.
- شاگری، سیدرضا (۱۳۹۷). *بایسته‌ها و شرایط کاربست و اسازی دریدا در نقد متون، نقد و تحلیل کتاب و اسازی متون آل‌احمد*. *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های*

علوم انسانی، (۲)، ۱۵۵-۱۷۱.

شاهمیری، آزاده (۱۳۸۹). نظریه و نقد پسااستعماری. تهران: علمی.

شعبانی، امامعلی و مشایخی جلالی، مریم (۱۳۹۴). اوضاع اجتماعی خلیج فارس در عصر قاجاریه با تأکید بر سفرنامه‌ها. مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس، (۵)، ۱۲۴-۱۰۵.

شیبانی، ژان (۱۳۹۴). سفر اروپاییان به ایران. ترجمه سیدضیاءالدین دهشیری، تهران: علمی - فرهنگی.

شیبانی، فیروزه (۱۳۹۸). واسازی روایت، خوانشی از نقاشی‌های هانیبال الخاص. پژوهشنامه فرهنگستان هنر، (۱)، ۲۷-۴۴.

صفری، سهیلا (۱۳۸۸). آرشیو در سفرنامه‌های ایرانی دوره قاجار (از ابتدای قاجار تا مشروطه). گنجینه اسناد بهار، (۷۳)، ۱۰-۱۴.

صوفی، علیرضا و زاور، علی‌اکبر (۱۳۹۱). سفر زیارتی حج در دوره قاجار بر مبنای سفرنامه‌های رجال دوره قاجاری. تاریخ در آدینه پژوهش، (۱)، ۲۱-۴۸.

فاتحی، سیدحسن؛ میرزایی، فرامرز و سن‌سبلی، بی‌بی راحیل (۱۳۹۵). خوانش پسااستعماری تجربه مهاجرت در رمان انگلستان لولیتا اثر واسینی الاعرج از دیدگاه هومی بابا. پژوهشنامه نقد ادب عربی، (۱۳)، ۱۷۱-۱۹۸.

فانون، فرانتس (۱۳۵۵). پوست سیاه صورتک‌های سفید. ترجمه محمدمین کاردان، تهران: خوارزمی.

فخرآئی، ابراهیم (۱۳۵۴). سردار جنگل: میرزا کوچک‌خان. تهران: جاویدان.

کرانی، زهرا؛ احمدیان، قدرت و کریمی، جلیل (۱۳۹۷). تحلیل سفرنامه‌های ایرانیان دوره قاجار از کرمانشاه با رویکرد پسااستعماری. تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، (۲۲)، ۱۲۳-۱۴۵.

کریمی، علی (۱۳۸۶). بازتاب هویت فرهنگی ایرانیان در سفرنامه‌های عصر صفوی و قاجاری. زریبار، (۱)، ۳۱-۶۲.

کسروی، احمد (۱۳۵۴). تاریخ مشروطه ایران. تهران: امیرکبیر.

کشاوری، اردشیر (۱۳۸۳). کرمانشاهان در سفرنامه سیاحان. کرمانشاه: نشر طاق بستان.

گاندی، لیلیا (۱۳۹۱). پسااستعمارگرایی. ترجمه مریم عالم‌زاده و همایون کاکا سلطانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

محمدی، الهام و یاقوتی، هدی (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی خودآگاهی زن در

- جدال با ساختارهای سنتی و مدرن مورد مطالعه: رمان‌های سیمین دانشور. پژوهش‌نامه زنان، (۴)، ۷۷-۱۰۰.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۸۳). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. تهران: نشر سخن.
- منتظر قائم، مهدی و غلامی، فرزاد (۱۳۹۱). نقد پسااستعماری روایت سریال قهوه تلخ از مدرنیته سیاسی ایرانی: با تأکید بر روش‌سازی. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، (۲۸)، ۱۲۲-۱۴۶.
- مورتون، استفان (۱۳۹۲). گایاتری چاکراواتی اسپیواک. ترجمه نجمه قابلی، تهران: بیدگل.
- مورگیلبرت، بارت (۱۳۸۶). هومی بابا. ترجمه پیمان کریمی، فصلنامه زیربار، (۶۳)، ۵۱-۵۶.
- مهروند، احد (۱۳۹۱). بررسی جنبه‌های پسااستعماری نمایشنامه جزئیات اثر سوزان گلاسیل. پژوهش ادبیات معاصر جهان، (۳)، ۷۳-۵۵.
- مهماندار، سرور (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی سفرنامه‌های ایرانی و اروپایی در عصر قاجار بر مبنای هشت سفرنامه. (کارشناسی ارشد). زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
- میرابوالقاسمی، سیدمحمدتقی (۱۳۷۷). گیلان از انقلاب مشروطیت تا زمان ما. رشت: انتشارات گیلان و تالش.
- میرزایی، حسین و پروین، امین (۱۳۸۲). نمایش دیگری: جایگاه غرب در سفرنامه‌های دوره ظهور مشروطیت. تحقیقات فرهنگی، (۹)، ۷۷-۱۰۵.
- میلز، سارا (۱۳۹۲). گفتمان. ترجمه فتاح محمدی، زنجان: هزاره سوم.
- نجومیان، امیرعلی (۱۳۹۵). واسازی عشق در غزلیات سعدی. سعدی‌شناسی، (۱۴)، ۱۸۸-۲۰۰.
- هال، استورات (۱۳۸۶). غرب و بقیه: گفتمان و قدرت. ترجمه محمود متحد، تهران: نشر آگه.
- یوسفدهی، هومن (۱۳۹۳). استانداران گیلان از آغاز تا ۱۳۵۷. گیلان: ایلیا.

- Ashcroft, Bill (2007). *Post-colonial Studies reader; The Key Concepts*, London: Routledge.
- Batubara, A. S. A; Nasution, S. N. & Pratama, D. R. (2020). Deconstruction Analysis of Characters in Movie Script Zootopia. *Journal of Culture, Arts, Literature, and Linguistics*, 6(2), 155-164.
- Bhabha, Homi k. (1994). *The Location of Culture*. London: Routledge.
- Kumar, R. & Shikha, S. (2018). Deconstruction as a method of Film

Criticism. <https://www.semanticscholar.org/>.

Lindsay ,C. (1985). *Reading Deconstruction*. Deconstructive Reading by G. Douglas Atkins. Rocky Mountain Modern Language Association, 39(2), 140-129.

References

- Akbarizadeh, Mohsen (2018). Analysis of the constructive logic of the narrative of Rostam and Sohrab. Research paper on epic literature. (15), 73-92. (In Persian)
- Ansari, Mansour. and Droodi, Massoud (2014). Post-colonial studies, a text-based effort in the direction of inverting perspectives. *Contemporary Political Essays*, (12), 23-1. (In Persian)
- Ashcroft, Bill. (2007). *Post-colonial Studies reader; The Key Concepts*, London: Routledge.
- Batubara, A. S. A. Nasution, S. N. & Pratama, D. R. (2020). Deconstruction Analysis of Characters in Movie Script Zootopia. *Journal of Culture, Arts, Literature, and Linguistics*, 6(2), 155-164.
- Bhabha, Homi k. (1994). *The Location of Culture*. London: Routledge.
- Bouje, David (2007). Analysis of Deconstruction. Translated by Hassan Mohaddisi, *Mass Communication Media*, (1), 79-99. (In Persian)
- Bouje, David (2007). *Narratives from a Storytelling Organization: A Postmodern Analysis of Disney as a Tamaraland*. Translated by Ismail Alizad, Nilofar Baghban Moshiri and Abbas Jang, *Society, Culture, Media*, (17), 143-193. (In Persian)
- Daneshpashooh, Fereydoun (1380). *A travel book to be cooked*, Khami, Tehran: Third publication. (In Persian)
- Dashiri, Mohammad Reza (2010). From oriental studies to post-colonial studies, with an interdisciplinary approach in humanities. *Interdisciplinary Studies in Humanities*, pp. 61-89. (In Persian)
- Derrida, Jean. Gritchelli, Simon. Laclau, Ernesto. Rorty, Richard (2015). *Deconstruction and Pragmatism*, translated by Shiva Roygarian, Tehran: Gam No Publishing. (In Persian)
- Fanon, Franz. (1355). *Black skin of white faces*, translated by Mohammad Amin Kardan, Tehran: Kharazmi. (In Persian)
- Farmer, Ardeshir. (1383). *Kermanshah in the travel book of tourists*. Kermanshah: Taq Bostan Publishing House. (In Persian)
- Fatehi, Seyyed Hasan. Mirzaei, Faramarz. San Sabli, Bibi Raheel. (2015). "Post-colonial reading of the experience of migration in the novel *Lolita's Fingers* by Wasini Al-Araj from the point of view of Homi Baba". *Criticism of Arabic Literature*, (13), 171-198. (In Persian)
- Gandhi, Leila. (2011). *Postcolonialism*. Translated by Maryam Alamzadeh and Homayoun Kaka Soltani, Tehran: Research Center for Cultural and Social Studies. (In Persian)
- Hajti, Samia and Razi, Ahmad. 2015. "Postcolonial reading of the novel

- Wandering Island". Literary text research, (68), 41-65. (In Persian)
- Hall, Stuart. (1386). The West and the rest: Discourse and power, translated by Mahmoud Tahid, Tehran: Age publishing house. (In Persian)
- Hosni, Zahra and Mehraki, Iraj (1400). "Khesi's postcolonial reading in Miqat based on Frantz Fanon's comments". Persian language and literature Shafai Del, (7), 84-69. (In Persian)
- Hostess, server. (1391). A comparative study of Iranian and European travelogues in the Qajar era based on eight travelogues. Master's degree in Persian language and literature, Tabriz University, Tabriz. (In Persian)
- Jamal Zadeh, Mohammad Ali (1345). The nature of us Iranians. Tehran: Foroughi Library. (In Persian)
- Javadi, Hassan (1378). Iran from the perspective of European tourists from the earliest days to the beginning of the Safavid era. Tehran: Boteh Publishing. (In Persian)
- Karani, Zahra. Ahmadiyan, Ghodrat. Karimi, Jalil. (2017). Analyzing the travelogues of Qajar period Iranians from Kermanshah with a post-colonial approach". Historiography and Historiography, (22), 145-123. (In Persian)
- Karimi, Ali (1386). Reflection of cultural identity of Iranians in Safavid and Qajar travelogues. Zaribar, (1), 62-31. (In Persian)
- Kumar, R. & Shikha, S. (2018). Deconstruction as a method of Film Criticism. <https://www.semanticscholar.org/>
- Lindsay ,C. (1985). Reading Deconstruction. Deconstructive Reading by G. Douglas Atkins. Rocky Mountain Modern Language Association, 39(2), 140-129.
- Mantar Qaim, Mehdi. and Gholami, Farzad. (1391). Post-colonial criticism of the narrative of the bitter coffee series on Iranian political modernity: with an emphasis on the method of deconstruction. Cultural Studies and Communication, (28), 146-122. (In Persian)
- Mehron, Ahad. (2011). "xamination of the postcolonial aspects of Susan Glaspell's play Details. Contemporary World Literature Research, (3), 73-55. (In Persian)
- Mills, Sarah. (2012). Conversation. Translated by Fattah Mohammadi, Zanjan: Third millennium. (In Persian)
- Mirzaei, Hossein. & Parveen, Amin (1382). Another show: the position of the West in the travelogues of the period of the rise of constitutionalism. Cultural Research, (9), 105-77. (In Persian)
- Mohammadi, Elham. And Yaquti, Hoda. (1397). "ociological analysis of women's self-awareness in the conflict with traditional and modern structures studied in the novels of Simin Daneshvar. Women's Journal, (4), 77-100. (In Persian)
- Morgilbert, Bart (1386). Homi Baba, translated by Peyman Karimi, Zaribar Quarterly, (63), 56-51. (In Persian)
- Morton, Stephen. (1392). Gayatri Chakravati Spivak, translated by Najma

- Ghabi, Tehran: Bidgol. (In Persian)
- Najoomian, Amir Ali. (2015). The construction of love in Saadi's lyrical poetry. *Sadiology*, (14), 188-200. (In Persian)
- Perry, Benita (2008). "Institutionalization of postcolonial studies. Translated by Jalil Karimi, a collection of articles on cultural studies, Tehran: Cheshme. (In Persian)
- Pourahmad Jaktaji, Mohammad Taghi (1355). Descriptive list of English travelogues. Tehran: National Library. (In Persian)
- Real, Shahin. Farrozani, Farzaneh. Mohammadi Badr, Narges. Gerji, Mustafa (2017). Post-colonial reading of characters in the play *Honeymoon* by Gholamhossein Saedi. *Comparative Literature Research*, (31), 64-86. (In Persian)
- Safari, Sohaila (2008). Archives in Iranian travelogues of the Qajar period (from the beginning of the Qajar to the constitution). *Bahar Document Treasure*, (73), 10-14. (In Persian)
- Said, Edward (1382). *Culture and Imperialism*, translated by Akbar Afsari, Tehran: Tos. (In Persian)
- Said, Edward (1390). *Orientalism*. Translated by Lotfali Khonji, Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Sajjadi, Bakhtiar. (2018). Post-colonial reading of Kurdish representation in Orientalist discourse, a case study of Claudius James Rich's travelogue. *Historical-Cultural Studies*, (39), 55-74. (In Persian)
- Shabani, Imam Ali. & Meshaikehi Jalali, Maryam (1394). Social conditions of the Persian Gulf in the Qajar era with an emphasis on travelogues. *Persian Gulf Cultural and Political Studies*, (5), 105-124. (In Persian)
- Shahmiri, Azadeh (1389). *Postcolonial theory and criticism*. Tehran: Scientific. (In Persian)
- Shakri, Seyyed Reza. (2017). The requirements and conditions of using Derrida's deconstruction in text criticism, criticism and analysis of Al-Ahmed's book *Deconstruction of Texts*. *Critical Research Journal of Humanities Texts and Programs*, (2), 155-171. (In Persian)
- Shibani, Firzoh (2018). Narrative reconstruction, a reading of Hannibal's paintings. *Art Academy Research Journal*, (1), 27-44. (In Persian)
- Shibani, Jean (2014). *European travel to Iran*. Translated by Seyyed Ziauddin Deshiri, Tehran: Scientific-Cultural. (In Persian)
- Sufi, Alireza & Zavar, Ali Akbar (1391). Hajj pilgrimage in the Qajar period based on travelogues of Qajar period dignitaries. *History in Adina Research*, (1), 21-48. (In Persian)
- Tajik, Mohammad Reza (2015). Foundation-breaking Sufi; Ghazali and the mystical reconstruction of the text. *Journal of Political Science*, (1), 54-40. (In Persian)
- Taslimi, Ali (2008). *Propositions in contemporary Iranian literature*. Tehran: Kitab Armeh. (In Persian)
- Zagros Zand, Mohammad Taghi (1389). Comparative study of the research of Western Iranology and Orientalism based on the representation of Iranian people's culture in the travelogues of Europeans during the

- Qajar period. National Studies, (11), 154-179. (In Persian)
- Zarei, Mohammad Ibrahim. and Tahmasbizadeh, Sara (1397). The iconography of the image of women in the Qajar period with an emphasis on the travelogues, paintings and photographs left over from this period. Women in Culture and Art, (4), 84-69. (In Persian)